

پژوهشنامه حج و زیارت

سال پنجم، شماره دوم، پیاپی ۱۰

پاییز ۱۳۹۹

صفحات ۱۸۹ - ۱۵۵

گونه‌شناسی انتقال جنازه به مدینه در طول تاریخ اسلام

عمار ابوطالبی^۱ و مهدی فرمانیان^۲

چکیده

انتقال جنازه برای دفن در اعقاب مقدسه عراق، امری شناخته شده است، اما آگاهی ما نسبت به انتقال جنازه به مدینه بسیار اندک بوده و شاید تاکنون راجع به آن چیزی نشنیده باشیم. بررسی کتابخانه‌ای منابع دست اول تاریخ مدینه، تراجم، طبقات و انساب به روش توصیفی تحلیلی، نشان می‌دهد بزرگانی از صحابه، تابعین، فقها و محدثین، نسبت به دفن در بقیع رغبت داشته و پیکر آنها به مدینه منتقل و دفن شده است. این انتقال، که گاه از مبادی دوردستی همچون هند، قاهره، دمشق و مراغه بوده، در مواردی با وصیت متوفی صورت پذیرفته است. پیکر برخی نیز بعد از طواف کعبه و وقوف در عرفات، با استقبال اهالی وارد شهر شده و پس از طواف و نماز در روضه نبوی، در بقیع دفن شده است. گونه‌شناسی تاریخی، مذهبی، اجتماعی و ... نیز تحلیل کسانی که پیکر آنها به مدینه منتقل شده، مقبولیت این موضوع بین مسلمانان را نشان خواهد داد.

کلید واژه‌ها: انتقال جنازه به مدینه، دفن در بقیع، بقیع، گونه‌شناسی.

۱. دکترای شیعه‌شناسی (نویسنده مسئول) (ab.ammar1376@chmail.ir).

۲. دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب (m.farmanian@chmail.ir).

مقدمه

حمل جنازه از خارج مدینه به این شهر، انتقال جنازه نامیده می‌شود و مقصود از مدینه نیز حدود آن در هر دوره است؛ بدین معنا که جنازه از جایی خارج از مدینه زمان متوفی به این شهر منتقل شده باشد، هر چند آن مکان اکنون داخل مدینه است. بنا بر آنچه در منابع آمده و به آنها اشاره خواهد شد، این انتقال از فاصله چند کیلومتر تا چند هزار کیلومتر صورت پذیرفته است. اهمیت انتقال جنازه از فاصله‌های نزدیک، زمانی مشخص می‌شود که بدانیم برخی فقهای متقدم اهل سنت با استناد به همین موارد بر جواز انتقال جنازه فتوا داده‌اند.

نحوه انتقال جنازه نیز با توجه به فاصله میت تا مدینه و شرایط بازماندگان او متفاوت بوده. جنازه برخی افراد بر دوش مردان حمل شده، برخی را داخل پوست شتر و آنهایی را که فاصله بیشتری داشتند داخل صندوق گذاشته و به مدینه منتقل کرده‌اند. گاهی نیز باقیمانده پیکر شخص را انتقال می‌دادند. (صنعانی، ۱۹۹۹، ج ۱، ص ۵۶۷) در مواردی در روز انتقال استخوان خاک شده برخی از این افراد که از اهل سنت بودند، جمع کثیری از علما، خطبا، قراء و دیگران شرکت کرده‌اند. هدف از انتقال جنازه نیز تدفین آنها در بقیع بوده، مگر در چند مورد که با وصیت متوفی در جایی نزدیک مسجدالنبی دفن شدند.

مسئله انتقال جنازه به مکانی غیر از محل وفات، خصوصاً انتقال جنازه به اعتاب مقدسه، موضوعی است که وهابیان و ناآشنایان به احکام اسلامی و فتاوی فقهای مذاهب اسلامی، آن را وسیله‌ای برای طعن به سایر مسلمانان قرار دادند. (سنوسی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۲۲۷) مخالفان تا آنجا پیش رفتند که ساحت بزرگان را از این کار مبرا دانسته و آن را به عوام الناس نسبت دادند. (عبدالحسین امینی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۱۰۱) در حالی که هر کدام از مذاهب اربعه با شرایطی این کار را جایز می‌دانند. از سوی دیگر، هر چند قبرستان بقیع برای عموم مسلمانان عزیز و مورد احترام

است، اما از انتقال اجساد مسلمانان به مدینه منوره کمتر شنیده‌ایم، تا جایی که تصور انتقال جنازه به مدینه، برای برخی سخت است. (دولت‌شین، ۱۴۲۸، ص ۲۱۲) شاید روایات «باب فی المیت یحمل من ارض الی ارض [و کراهه ذلک]» در سنن ابی داود (ابی داود، ۱۴۳۰، ج ۵، ص ۷۷) و برخی آداب و رسوم کاروان حج شامی^۱ در شکل‌گیری این تصور بی‌تأثیر نبوده است. در این کاروان شایع بوده اگر کسی در مسیر فوت می‌کرد، او را همان‌جا دفن می‌کردند. (تبریزی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۶۵) در دوران معاصر نیز وهابیت حاکم در عربستان قائل است باید میت را در همان شهری که وفات یافته، دفن کرد (العثیمین، ۱۴۳۹، ج ۱۴، ص ۴۴۹) و در حال حاضر، اجرایی نمودن وصیت انتقال جنازه به مدینه را عملی ندانسته و ضمن مخالفت با آن، از انجامش امتناع می‌ورزند. (العثیمین، ۱۴۳۹، الف، ج ۴، ص ۶۵۴-۶۵۸)

شناسایی افرادی که پیکر آنها به مدینه منتقل شده، تنها با جست‌وجوی فراوان در منابع دست اول تاریخ مدینه، تراجم، طبقات، انساب و سفرنامه‌ها مقدور است. این نوشتار درصدد است با بررسی تاریخی این موضوع در طول تاریخ اسلام و فارغ از صحت یا جواز انتقال جنازه، مقبولیت آن را نزد مسلمانان به تصویر کشد. از این رو پس از بیان سابقه کوتاهی از انتقال جنازه در مدینه، مرور مختصری بر نظرات مذاهب اسلامی پیرامون انتقال جنازه خواهیم داشت، سپس انتقال جنازه را در پنج محور تاریخی، مذهبی، منطقه زیست افراد، جایگاه اجتماعی و مبدأ انتقال جنازه، گونه‌شناسی خواهیم کرد. البته برای تکمیل بحث، به برخی موضوعات مرتبط با انتقال جنازه مانند تشییع و اقامه نماز در مدینه، انتقال جنازه پس از دفن، وصیت به دفن در بقیع، محل دفن و طواف دادن جنازه را نیز پرداخته‌ایم. در پایان بعد از معرفی این افراد، مقاله را جمع‌بندی خواهیم کرد.

۱. این کاروان که از آن به «الركب الشامي» تعبیر می‌شده (در مقابل الركب العراقي) مهم‌ترین کاروان حج بوده که مسلمانان را از شامات و مصر به مکه می‌آورده و نسبت به سایر کاروان‌ها و مسیرها از امنیت بیشتری برخوردار بوده است.

سابقه انتقال جنازه در مدینه

در طول تاریخ اسلام، همواره جنازه افرادی از خارج مدینه به این شهر منتقل و در قبرستان بقیع دفن شده است. این مسئله به حدی در مدینه شایع بوده که در قرن نهم بخشی از بقیع به دفن این افراد اختصاص یافت. (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۳۰۲) اولین انتقال جنازه به مدینه، بعد از غزوه احد بود که مسلمانان پیکر تعدادی از شهدا را به مدینه آوردند. (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۳۰) هرچند در این تاریخ بقیع قبرستان رسمی مدینه نبوده، اما این کار با مخالفت رسول خدا ﷺ مواجه شد که برخی منابع فقهی اهل سنت، این منع را ناظر به انتقال پیکر شهدا می‌دانند. (الشربینی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۸) بعدها نیز، در شرایطی که بقیع قبرستان رسمی مدینه است، ابن فرحون (م ۷۶۹ق) محدث و قاضی مدینه، از انتقال جنازه همسر یکی از قاضیان مدینه به احد خبر داده و می‌گوید: «مردم برای کسب تبرک، قبر او را زیارت می‌کنند». (ابن فرحون، ۱۴۲۷، ص ۲۰) این گزارش نشان می‌دهد انتقال جنازه، بین فرهیختگان سنی مدینه، امری طبیعی و پذیرفته شده بوده است.

سمهودی (م ۹۱۱ق) محدث و مورخ مدنی می‌گوید: «در شرق بقعه اهل بیت ﷺ ... دو محوطه محصور است که یکی از آنها ... مدفن بعضی از اعیانی است که به مدینه منتقل شدند». (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۳۰۲) اعیانی که سمهودی از آنها نام می‌برد، سادات حسنی (شرفای) ساکن اطراف مدینه هستند که گزارشی دال بر تشیع آنها وجود نداشته و طبق رسمی دیرین، بعد از انتقال آنها به مدینه و اقامه نماز در حرم نبوی، ایشان را در محل مخصوصی دفن می‌کردند. این رسم تا قرن‌ها برقرار بوده، تا جایی که ریچارد برتون^۱ (م ۱۸۹۰م) دیپلمات و نظامی انگلیسی هم در سال ۱۲۶۹ قمری بدان اشاره می‌کند. (برتون، بی تا، ج ۲، ص ۱۴۲)

1. Sir Richard Francis Burton.

پیشینه موضوع

تاکنون کتاب‌های مختلفی پیرامون بقیع نگاشته شده، مانند الروضة الفردوسية و الحضرة القدسية (آقشهری، ۲۰۱۰)، تاریخ حرم ائمه بقیع (نجمی، ۱۳۸۶)، البقیع قصة تدمیر آل سعود (الهاجرى، ۱۴۱۱)، بقیع الغرقد (حاتم عمرطه و محمدانور البکری، ۱۴۲۴)، بقیع الغرقد فی دراسة شاملة (محمدامین امینی، ۱۴۲۸)، الاصابة فیمن دفن فی البقیع من الصحابة (صالح السلامة، ۱۴۳۸)، الروضة المستطابة فیمن دفن بالبقیع من الصحابة (ناشناس، بی‌تا) و آرمیدگان در بقیع (نوابی، ۱۳۹۴) که برخی از آنها اسامی تعدادی از مدفونان بقیع را نیز آورده‌اند. تتبع در منابع مرتبط با تاریخ مدینه و خصوصاً بقیع نشان می‌دهد هر چند در برخی از این منابع به صورت موردی به انتقال جنازه برخی افراد به مدینه اشاره شده، اما هیچ‌کدام از آنها یا هیچ منبع دیگری به صورت مستقل به این موضوع نپرداخته است.

امینی (م ۱۳۴۹ ش) تحت عنوان «من نقلت جنازته قبل الدفن» (عبدالحسین امینی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۱۰۴)، هشتاد نفر را نام می‌برد که جنازه آنها برای دفن، به جایی غیر از محل وفاتشان منتقل شده؛ آنگاه با عنوان «من نقل من مدفن إلی مدفن» (عبدالحسین امینی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۱۱۶) از هفتاد نفر یاد می‌کند که جنازه آنها پس از دفن جابه‌جا شده است. جالب است که غالب این ۱۵۰ نفر، از بزرگان دینی و مشاهیر مذهبی مسلمانان هستند.

مروری بر انتقال جنازه در فقه و حدیث اهل سنت

هرچند جنبه‌های فقهی و کلامی انتقال جنازه موضوع این مقاله نیست، اما برای آشنایی با نظرات اهل سنت، این مسئله را به صورت مختصر در منابع حدیثی و فقهی‌شان بررسی خواهیم کرد. شاید بتوان از برخی ابواب مجامع روایی اهل سنت، مانند «باب من احب الدفن فی الارض المقدسة او نحوها» در صحیح بخاری، مطلق

مطلوبیت وفات و دفن در اماکن مقدس را استفاده نمود. بر اساس روایت ذیل این باب، حضرت موسی از خداوند تقاضا کرده تا وفاتش در نزدیک‌ترین مکان به بیت‌المقدس باشد. (البخاری، بی تا، ص ۲۸۱) ابن حجر (م ۸۵۲ق) در شرح این حدیث می‌گوید موضوع انتقال جنازه به مکانی غیر از محل وفات، مبحثی اختلافی است. برخی کراهتش را تا حد حرمت تقویت کرده‌اند و گروهی دیگر معتقدند اگر انتقال به مکانی فاضل و برگزیده مثل مکه و مانند آن باشد، این انتقال مستحب خواهد بود. (ابن حجر عسقلانی، بی تا، ج ۳، ص ۲۴۱) اما وهابیت معتقد است نمی‌توان از این روایت، برای انتقال جنازه به مدینه و دفن در کنار صالحان و اولیا استفاده نمود. (العثیمین، ۴۳۹ الف، ج ۴، ص ۶۵۴)

در مذهب مالکی نقل میت با سه شرط جایز است: ۱. جنازه در حین انتقال، متلاشی نشود. ۲. نحوه انتقال، باعث هتک حرمت و تحقیر میت نباشد. ۳. این انتقال به خاطر مصلحتی صورت پذیرد؛ مثل اینکه بترسند طغیان آب باعث تخریب قبر شود، یا به خاطر برکتی که در مکان دیگر امید آن می‌رود، یا انتقال آن به نزدیک محل سکونت خانواده‌اش، یا انتقال به جایی که خانواده‌اش بتوانند او را زیارت کنند. اگر یکی از این شروط محقق نباشد، انتقال جنازه حرام خواهد بود. (عوض الجزیری، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۴۸۷)

حنفی‌ها می‌گویند مستحب است هر کس در هر کجا مُرد، همان‌جا دفن شود. انتقال او به جایی دیگر پیش از دفن، در صورت ایمنی از تغییر بو مانعی ندارد، اما بعد از دفن، خارج کردن او جز در صورتی که زمین غصبی یا به شفعه^۱ اخذ شده باشد، حرام خواهد بود. (همان)

اما شافعی مذهب‌ان معتقدند انتقال جنازه میت به جایی غیر از محل وفات حرام است، مگر آنکه شخص نزدیک مکه یا مدینه یا بیت‌المقدس یا نزدیک قبر بنده

۱. حق همسایگی؛ حق تقدیمی که همسایه و شریک ملک در خرید ملک همسایه یا سهم شریک دارد.

صالحی فوت کرده باشد که در این حالت اگر از تغییر بوی جنازه در امان باشند و غسل و تکفین و نماز او انجام شده باشد، این انتقال مستحب خواهد بود و الا حرام است. بعد از دفن نیز، اگر ضرورت اقتضا کند، انتقال جنازه جایز است. (همان)

در مذهب حنبلی نقل میت به شرط اینکه برای غرض صحیحی باشد مانعی ندارد، مثل اینکه بخواهند او را در مکانی مقدس و یا کنار بنده‌ای صالح دفن کنند؛ البته مشروط به اینکه از تغییر بو و متعفن شدن جنازه ایمن باشند. در این صورت میان انتقال میت قبل از دفن، یا بعد از آن فرقی نخواهد بود. (همان)

بنابراین ملاحظه فتاوی فقهای مذاهب اربعه، در کنار سیره تاریخی مسلمانان، به وضوح نشان می‌دهد که همه ایشان با شروطی، نسبت به جواز انتقال جنازه، اتفاق نظر دارند، خواه قبل از دفن میت و خواه پس از آن و انتقال جنازه به اماکن مقدس از قبیل مکه، مدینه، جوار قبر امام، کنار قبر صالحان، سرزمین پاک، یا محیطی که خانواده میت در آنجا هستند، یا مقبره خانوادگی، جزو امور مرتکز در اذهان همگان بوده است. (عبدالحسین امینی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۱۰۲)

گونه‌شناسی جنازه‌های منتقل شده به مدینه

بعد از جست‌وجوی فراوان در منابع مختلف و یافتن افرادی که پیکر آنها به مدینه منتقل شده، می‌توان آنها را در پنج محور به شرح زیر گونه‌شناسی کرد.

اول: تاریخی

بیشترین فراوانی (هشت نفر) مربوط به قرن اول است و قرن‌های شش، چهارده و پانزده (هر کدام شش نفر) در رتبه دوم قرار دارند. بیش از یک‌چهارم این افراد از صحابه و تابعین هستند. هرچند در قرن دوازدهم کسی یافت نشد، اما روشن است که انتقال جنازه به مدینه در طول تاریخ اسلام صورت پذیرفته و این موضوع امری عادی و جاری بوده است.

دسته‌بندی جنازه‌های منتقل شده به مدینه بر اساس تاریخ وفات												
قرن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	نامعلوم	
تعداد	۸	۴	۱	۲	—	۲	۱	۴	۳	۲	۶	۱

دوم: مذهبی

در این مقاله به جهت سهولت کار، علویان و پیروان فرق شیعی را شیعه و سایر فرقه‌های اسلامی و پیروان مذاهب چهارگانه، سنی نامیده شدند. از این رو جالب است بدانیم حدود ۶۶ درصد (۳۴ نفر) از کسانی که به مدینه منتقل شدند، سنی هستند و تقریباً در همه قرون جنازه افرادی از ایشان به مدینه منتقل شده است. پانزده نفر نیز شیعه هستند که هشت نفرشان در قرن‌های اول و دوم می‌زیسته‌اند. تقریباً از قرن چهارم به مدت پنج قرن، جنازه‌ای از شیعیان به بقیع منتقل نشده است.

دسته‌بندی جنازه‌های منتقل شده به مدینه بر اساس گرایش اعتقادی						
عنوان	شیعه	علوی	سنی	سنی	نامعلوم	
تعداد مدفونان	۱۳	۲	۲۹	۵	۱	۵۰ نفر
	شیعیان ۱۵ نفر		اهل سنت ۳۴ نفر		۱ نفر	

هر کدام از گرایش‌های شیعه و اهل سنت، مذاهب مختلفی دارند. در ترجمه برخی افراد به مذهب آنها اشاره شده که همان ملاک عمل قرار گرفته است. افرادی که انتسابشان به تشیع یا اهل سنت قطعی، اما مذهبشان معلوم نبود را با عنوان شیعه یا سنی مشخص کردیم. اشخاصی که اهل بیت علیهم‌السلام را همراهی کرده و به امامت ایشان معتقد بودند، جزو امامی مذهب‌ان آورده‌ایم. برای برخی دیگر نیز با توجه به سوابق، فعالیت‌ها یا موضع‌گیری‌هایی که داشته‌اند، بدون لحاظ تعاریف تخصصی هر مذهب

و با تسامح، مذهب آنها را تعیین کردیم. مثلاً جناب مقداد را با لحاظ موضع گیری او نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام جزو شیعیان امامی، و همسر ایوب پاشا را به اعتبار شوهرش، جزو اهل سنت برشمردیم. از صوفیان، که مذهب کلامی ایشان بر ما معلوم نشد، نیز با تعبیر صوفی یاد کرده ایم. دسته بندی مذهبی این افراد بدین شرح است:

دسته بندی جنازه های منتقل شده به مدینه بر اساس گرایش اعتقادی و مذهب												
گرایش	شیعه ۱۵ نفر						سنی ۳۴ نفر				نامعلوم ۱ نفر	
مذهب	امامی	زیدی	اسماعیلی	نامعلوم	حنفی	حنبلی	شافعی	مالکی	صوفی	سنی	نامعلوم	نامعلوم
تعداد	۹	۳	۱	۲	۲	۱	۵	—	۱	۴	۲۱	۱

سوم: جغرافیای زیست افراد

بیشتر این افراد مدنی هستند و شامی ها و ایرانی ها در رتبه های بعدی قرار دارند.

دسته بندی جنازه های منتقل شده به مدینه بر اساس ملیت													
قرن	مدنی	شامی	ایرانی	یمنی	مصری	عراقی	افغانی	گرجی	مغولی	احسانی	ترکی	اردنی	نلشخص
تعداد	۱۴	۶	۵	۴	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۷

چهارم: جایگاه اجتماعی

هرچند این افراد از معاریف زمان خودشان بوده اند، اما با این وجود رتبه و جایگاه یکسانی ندارند. برخی افراد نیز همزمان دارای چندین جایگاه اجتماعی هستند که برای دسته بندی، وجه غالب هر شخصیتی مد نظر قرار گرفته است. این افراد در ضمن ده جایگاه، قابل دسته بندی هستند. جالب است بدانیم ۲۹ نفر، یعنی بیش از شصت درصد افرادی که پیکر آنها به مدینه منتقل شده است، از شخصیت هایی هستند که با فقه و حدیث آشنا بودند و در این زمینه دارای جایگاه هستند.

دسته‌بندی جنازه‌های منتقل شده به مدینه بر اساس جایگاه اجتماعی											
جایگاه	امام در مذهب	صحابی	فقیه	قاضی	محدث	ادیب	شاه و وزیر	صوفی و شیخ متصوفه	اعیان	استاد دانشگاه	سایر
تعداد	۴	۵	۹	۴	۷	۳	۶	۲	۳	۳	۴

لحاظ جایگاه اجتماعی و مذهب افراد نشان می‌دهد از همه اقشار اهل سنت میان آنها وجود دارد که در این بین حدود شصت درصد با مبانی دینی آشنا بوده‌اند و چهره‌های سرشناس و مهمی در میان آنها مشاهده می‌شود. اما در شیعیان به غیر از یک نفر، سایرین هر کدام به نوعی با مبانی دینی مرتبط و مطلع هستند.

دسته‌بندی جنازه‌های منتقل شده به مدینه بر اساس جایگاه اجتماعی و مذهب											
جایگاه	امام در مذهب	صحابی	فقیه	قاضی	محدث	ادیب	شاه و وزیر	صوفی و شیخ متصوفه	اعیان	استاد دانشگاه	سایر
شیعه	۴	۱	۶				۱				۱۵
سنی		۴	۳	۴	۷	۲	۵	۲	۳	۳	۱
نفسخ						۱					۱
تعداد	۴	۵	۹	۴	۷	۳	۶	۲	۳	۳	۴

پنجم: مبدأ انتقال جنازه

بررسی حالت وفات این افراد نشان می‌دهد که بیشترین نفرات (نوزده نفر) در مسیر حرمین وفات یافته‌اند و چهارده نفر در منزلشان فوت کرده و به مدینه منتقل شده‌اند.

دسته‌بندی جنازه‌های منتقل شده به مدینه بر اساس حالت وفات								
جایگاه	منزل	مسیر حج	بیمارستان	جنگ	در راه مدینه	نامشخص	سایر	جمع
شیعه	۳	۵		۱		۴	۲	۱۵
سنی	۱۱	۱۰	۵	۲	۲	۱	۳	۳۴
نامشخص		۱						۱
تعداد	۱۴	۱۶	۵	۳	۲	۵	۵	۵۰

یکی از مهم‌ترین محورهای این بحث، مبدأ انتقال اجساد است. در بررسی موضوع به اسامی شهرها و مناطقی برمی‌خوریم که برخی از آنها الآن وجود ندارند؛ بنابراین برای درک بهتر این موضوع، موقعیت هر مکان را نسبت به جغرافیای امروزی می‌سنجیم. طبق جدول پیش‌رو، جنازه بیشتر افراد از عربستان امروزی به مدینه منتقل شده است. همچنین چهار جنازه را از هند و اروپا به مدینه آورده‌اند که سه نفر آنها سنی مذهب بوده‌اند.

دسته‌بندی جنازه‌های منتقل شده به مدینه بر اساس مبدأ انتقال جنازه										
جمع	نامشخص	سایر	اروپا	افغانستان	هند	ایران	مصر و شامات	عراق	عربستان	
۱۵	۱				۱		۲	۱	۱۰	شیعه
۳۴	۵		۲	۲	۱	۲	۳	۲	۱۷	سنی
۱		۱								نامشخص
۵۰	۶	۱	۲	۲	۲	۲	۵	۳	۲۷	تعداد

سایر موارد مرتبط با انتقال جنازه (تشییع، اقامه نماز در مدینه، انتقال پس از دفن، وصیت به انتقال، محل دفن و ...)

جنازه سه نفر در مدینه تشییع شده که همگی از اهل سنت بوده و انتقال پیکر دو نفر از آنها با وصیت خودشان بوده است. در منابع آمده که برای دوازده نفر از جنازه‌های منتقل شده به مدینه، در این شهر نماز میت خوانده‌اند که یک نفر آنها شیعه بوده است. چهار نماز در روضه نبوی اقامه شده که همگی سنی هستند. دو نفر نیز بعد از اقامه نماز در مکه پیکرشان به مدینه منتقل شده است. جنازه پنج نفر، مدتی بعد از دفن به مدینه منتقل شده که انتقال جنازه سه نفر از آنها با وصیت خودشان بوده است. انتقال پیکر ده نفر بر اساس وصیت خودشان بوده است. از این جمع تنها دو نفر شیعه هستند که گواه دیگری بر رغبت فراوان

اهل سنت به دفن در بقیع است.

در منابع به محل دفن هفده نفر از این افراد اشاره شده است. یازده نفر از ایشان در جوار اهل بیت علیهم‌السلام، دو نفر در جوار جناب عقیل، سه نفر در جوار پدرشان و یک نفر هم در رباط خودش، در مدینه دفن شده است. پنج نفر از دفن شدگان در جوار اهل بیت علیهم‌السلام سنی هستند. پیکر سه نفر بعد از طواف کعبه و وقوف در عرفات به مدینه منتقل شده که همگی سنی هستند. پیکر دو نفر از ایشان با استقبال اشراف و اهالی وارد شهر شده که یک نفر از ایشان نسبت به این انتقال وصیت کرده است. این دو نفر نیز کسانی هستند که برای حرمین و ساکنان و مجاوران آن پول و آذوقه ارسال می‌کردند.

افرادی که پیکر آنها به مدینه منتقل شده

بعد از جست‌وجوی فراوان در کتاب‌های تاریخ اسلام، تاریخ مدینه، تراجم، طبقات و انساب، افرادی را یافتیم که پیکر آنها به مدینه منتقل شده است. از آنجا که این منابع تنها علما، اعیان یا افراد شناخته شده را نام می‌برند، لذا تعداد افرادی که پیکر آنها به مدینه منتقل شده است، بیش از این مقدار بوده و اسامی آنها جایی ثبت و ضبط نشده است. اسامی و شرح حال مختصری از ایشان که بر اساس تاریخ وفات سامان یافته، به شرح زیر است:

مقداد (م ۳۲ق)

از سابقان در اسلام و صحابی پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۴۷۵) که در فاصله ۴/۵ کیلومتری مدینه در منطقه‌ای به نام «جُرف» (خیاری، ۱۴۱۹، ص ۳۴۴)، فوت کرده و پیکرش به مدینه منتقل شد.

مالک اشتر (م ۳۹ق)

سردار سپاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام که در راه مصر مسموم شد و به شهادت رسید.

حموی (م ۶۲۶ق) قبر منسوب به او در بعلبک را عاری از صحت می‌داند. چون پیکر مالک را از قلزم، شهری در دهانه کانال سوئز (حموی، ۱۹۹۵، ج ۴، ص ۳۸۸)، به مدینه برده و آنجا دفن نموده‌اند و قبرش در مدینه معروف و شناخته شده است. (همان، ج ۱، ص ۴۵۴)

سعید بن زید (م ۵۱ق)

پسرعموی خلیفه دوم و شوهر خواهر او (ابونعیم، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۵۲) و راوی حدیث عشره مبشره که خودش را نیز جزو آنها ذکر می‌کند. (ابن عبد البر، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۶۱۵) سعید در قصرش در وادی عقیق، حدود نه کیلومتری جنوب غربی مدینه (حموی، ۱۹۹۵، ج ۴، ص ۱۳۹)، درگذشت و بر دوش مردان به مدینه منتقل شد. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۲۹۴)

سعد بن ابی وقاص (م ۵۵ق)

یکی از عشره مبشره (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۲۰، ص ۲۸۰) و عضو شورای شش نفره خلیفه دوم که در قصرش در وادی عقیق (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۲۳۷) فوت کرده (آقشهری، ۲۰۱۰، ج ۱، ص ۶۳۲) و بر دوش مردان به مدینه منتقل شد (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۲۰، ص ۳۶۵) و در بقیع، در محلی که از قبل مشخص کرده بود، دفن شد. (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۱۶)

ابوهریره (م ۵۸ق)

ابوهریره دوسی به صحابی جلیل، حافظ الصحابه، مفتی و... توصیف شده است. (ابن قانع بغدادی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۷۹۴) او که در سال هفتم هجری اسلام آورد (صفدی، ۱۴۰۱، ج ۱۸، ص ۱۵۴)، در میان اهل سنت جایگاه ویژه‌ای دارد. (ابن عبد البر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۷۷۱) وی در وادی عقیق درگذشت و جنازه‌اش را بر دوش مردان به مدینه منتقل کردند.

اسامة بن زید (م ۵۴ یا ۵۸ ق)

فرمانده جیش موته به امر پیامبر ﷺ (ابونعیم، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۱۹) که در سال ۵۴ قمری یا ۵۸ قمری (ابومخرمه، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۳۶۵) در وادی قُری حدود ۳۵۰ کیلومتری مدینه (شراب، ۱۴۱۱، ص ۲۲۴) و به نقلی در جُرف (خیاری، ۱۴۱۹، ص ۳۴۴) مُرد و به مدینه منتقل شد.

سعید بن العاص (م ۵۸ ق)

شوهر خواهر مروان (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۲۱، ص ۱۴۰) که همراه او از دفن امام حسن ﷺ کنار پیامبر ﷺ ممانعت نمود. (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۲۹) سعید در سال ۵۸ قمری (فاسی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۲۱۷) در قصرش در عَرَصَه حدود ۴/۵ کیلومتری مدینه (مصعب بن عبدالله، ۱۹۹۹، ص ۱۷۶) درگذشت و طبق وصیتش بر دوش مردان به مدینه منتقل شد. (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۲۱، ص ۱۴۰-۱۴۱)

حسن مثنّا (م ۹۷ ق)

فرزند امام حسن ﷺ و داماد امام حسین ﷺ، از مجروحان و اسیران کربلا (مفید، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۵) و از ائمه زیدیه (محلّی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۲۳۶) توسط سلیمان بن عبدالملک (حک: ۹۶-۹۹ ق) مسموم شد. (ابن عنبّه، ۱۴۱۷، ص ۹۲) او در خارج مدینه به شهادت رسید و بر دوش مردان به مدینه منتقل شد. (محلّی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۲۳۹)

امام باقر ﷺ (م ۱۱۴ ق)

برخلاف شیعیان، برخی منابع اهل سنت معتقدند ایشان در روستایی به نام حُمیمه در اطراف بُلُقّای شام (حازمی، بی تا، ص ۱۲۹) از دنیا رفته و پیکرشان به مدینه منتقل شده است. (ابن خلکان، بی تا، ج ۴، ص ۱۰۳ و ۱۷۴)

زید بن الحسن (م ۱۲۰ ق)

برخی منابع وی را فرزند حسن مثنّا خوانده‌اند که صحیح نیست. (محمدرضا

مامقانی، ۱۴۳۱، ج ۲۹، ص ۱۶۱) او فرزند امام حسن علیه السلام و متولی صدقات پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه بوده (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۴۰۶) که او را جلیل القدر، کریم الطبع و کثیرالبر دانسته‌اند.

اسماعیل بن امام صادق علیه السلام (۱۳۳ق)

بزرگ‌ترین فرزند ایشان که او را بسیار دوست می‌داشتند. اسماعیل در زمان حیات پدرش در عریض، منطقه‌ای حدود چهار کیلومتری شمال شرقی مدینه، از دنیا رفت و به مدینه منتقل شد.

عروة بن رویم (م ۱۴۴-۱۲۵ق)

اهل اردن (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴۰، ص ۲۲۸) و از رویان شامی (همان، ص ۲۳۴) که روایات زیادی نقل کرده (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۳۲۰)، اما عموم آنها را مرسل دانسته‌اند. وی بین سال‌های ۱۲۵-۱۴۴ (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴۰، ص ۲۳۳-۲۳۷) در ذی‌خُشب حدود ۳۵ کیلومتری شمال مدینه (البلادی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۱۲۷) درگذشت و جنازه او به مدینه منتقل گشت. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۵، ج ۷، ص ۱۸۰) البته یک قول نیز او را درگذشته شام می‌داند. (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴۰، ص ۲۳۶)

هارون بن العباس (م ۲۷۵ق)

محدث سنی مذهب که در سال ۲۷۵ قمری در رُویته، حدود ۹۲ کیلومتری مدینه (البلادی، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۱۰۲)، وفات یافت و به مدینه منتقل شد. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۲۷)

ابومحمد الحسینی (م ۳۶۳ق)

از نسل امام حسین علیه السلام و از همراهان و یاران کافور اخشیدی، از حاکمان مصر (حک: ۳۵۵-۳۵۷ق) (زامباور، ۱۴۰۰، ص ۱۴۴) که در برخی جنگ‌ها او را یاری

کرده است. وی در جعفریه در سه کیلومتری بصره مسموم شده و فوت می‌کند. جنازه او بعد از دفن در بصره به مدینه منتقل می‌شود. (مقریزی، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۳۲۴-۳۲۵)

ابن حنزابه (م ۳۹۱ق)

اهل بغداد، ساکن مصر و محدث. پدرش وزیر مقتدر بالله عباسی (حک: ۲۹۵-۳۲۰ق) (زامباور، ۱۴۰۰، ص ۳) بود و خودش نیز توسط کافور اخشیدی (حک: ۳۵۵-۳۵۷ق) به وزارت گمارده شد. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۲۴۱) ابن حنزابه که ذهبی او را «الإمام الحافظ الثَّقة، الوزير الأکمل» خوانده (ذهبی، ۱۴۲۷، ج ۱۲، ص ۴۳۶)، در مصر وفات یافت (زرکلی، ۱۹۸۹، ج ۲، ص ۱۲۶) و بنا به وصیتش به مدینه منتقل و آنجا مدفون شد. او خانه‌ای در نزدیکی مسجدالنبی خرید که نزدیک‌ترین مکان به قبر شریف بود و با هماهنگی اشراف وصیت کرد آنجا دفن شود. (صفدی، ۱۴۰۱، ج ۱۱، ص ۱۲۱) پس از آنکه تابوت ابن حنزابه به حرمین منتقل شد، اشراف مکه به استقبالش آمدند و پس از طواف کعبه و وقوف در عرفات، آن را به مدینه فرستادند و در همان منزل دفن نمودند. (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱۱، ص ۳۲۹)

ابوعبدالله القمی (م ۴۰۰ق)

از بزرگ‌ترین سرمایه‌داران مصر و جامه‌دار ابوعلی المنصور، از خلفای فاطمی (حک: ۳۸۶-۴۱۱ق) (زامباور، ۱۴۰۰، ص ۱۴۴) بود که در راه مکه فوت کرده و بعد از انتقال به مدینه (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲۷، ص ۴۰۰) در جوار امام حسن علیه السلام دفن می‌شود. (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۷۳)

تنوخی (م ۴۱۹ق)

قاضی، محدث و ادیب حنفی که در سال ۴۱۹ قمری عازم حج شد و در وادی مُرّ

(مر الظهران) حدود ۲/۵ کیلومتری مکه (بکری، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۲۱۲) درگذشت و جنازه او به مدینه منتقل شد. (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۵۷، ص ۹۰)

عبد الوهاب السیبی (م ۵۱۴ق)

قاضی شافعی (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۲۴۲) و ادیبی که در کنار منصب قضاوت، معلم و مؤدب فرزندان مستظهر بالله عباسی (حک: ۴۸۷-۵۱۲ق) بود و با روی کار آمدن مسترشد بالله (حک: ۵۱۲-۵۲۹ق) (زامباور، ۱۴۰۰، ص ۴)، ناظر خزانه و وکیل او شد. وی در بازگشت از حج و یک روز قبل از مدینه فوت کرد و جنازه‌اش را به مدینه انتقال دادند.

جواد اصفهانی (م ۵۵۹ق)

محمد بن علی بن ابی منصور که به خاطر جود و بخشش‌هایش به جواد اصفهانی معروف شد. (عامری حرزی، ۱۴۰۵، ص ۴۳۹) او در حکومت سیف الدین غازی بن عماد الدین زنگی (حک: ۵۴۱-۵۴۴ق) بر موصل به مقام وزارت رسید و در این دوران آثار خیر زیادی در حرمین شریفین از خود به یادگار گذاشت که رساندن آب به عرفات، ساخت دیوار مدینه، ترمیم مسجدالنبی، بذل و بخشش‌های فراوان به اشراف و فقرای حرمین، زهاد و متصوفه بغداد از آن جمله است. (ابن خلکان، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۴۳-۱۴۵) پس از مرگ غازی، به خدمت قطب الدین مودود بن عماد الدین زنگی (حک: ۵۴۴-۵۶۵ق) درآمد؛ اما در سال ۵۵۸ قمری، با حسادت درباریان در موصل زندانی شد و یک سال بعد همان‌جا از دنیا رفت و جمع زیادی از مردم و فقرا در نماز و تشییع او شرکت کردند. پس از چند سال جنازه‌اش به بغداد منتقل شد و بعد از اقامه نماز، با استقبال گسترده مردم مکه، به این شهر انتقال یافت و بعد از طواف به دور کعبه، در شب عرفه، او را بر بالای جبل الرحمه بردند. پس از آن نیز، تا زمان حضور جنازه در مکه، در حالی که کسی همراه جنازه مدام خیرات او را برای مردم بازگو می‌کرد، روزی چند نوبت او را طواف می‌دادند، تا

اینکه جنازه به مدینه منتقل شد و بعد از طواف در روضه منوره، در بقیع (صفدی، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۱۶۱) و بنا به نقلی، در رباطی که خودش در نزدیکی مزار پیامبر ﷺ ساخته بود، به خاک سپرده شد. (عامری حرّضی، ۱۴۰۵، ص ۴۳۹)

شیرکوه بن شاذی، عموی صلاح الدین ایوبی (م ۵۶۴ق)

با حمله صلیبیان به مصر در سال ۵۶۴ قمری، با لشگری از شام، به کمک فاطمیان رفت (ابن خلکان، بی تا، ج ۲، ص ۴۷۹) که پس از پیروزی، العاضد لدین الله، آخرین خلیفه فاطمی (حک: ۵۵۵-۵۶۴ق)، بر او خلعت وزارت می پوشاند؛ اما دو ماه بعد فوت کرده و در قاهره مدفون می شود. مدتی بعد، بر حسب وصیتش، جنازه او را به مدینه منتقل و در بقیع به خاک می سپارند.

ایوب بن شاذی، پدر صلاح الدین ایوبی (م ۵۶۸ق)

اهل دَوین، شهری نزدیک تفلیس (حموی، ۱۹۹۵، ج ۲، ص ۴۹۱) و پدر صلاح الدین ایوبی. پس از آنکه در سال ۵۶۴ قمری پسرش در مصر به وزارت رسید، او را به قاهره فراخواند. ایوب در سال ۵۶۸ قمری در قاهره مرد و او را کنار برادرش شیرکوه دفن کردند. سپس در سال ۵۸۰ قمری، صلاح الدین ایوبی آنها را به مدینه منتقل و در جوار حجره شریفه دفن می کند.

علی بن جواد اصفهانی (م ۵۷۴ق)

ادیب و فاضلی که مجد الدین ابن اثیر جزری (م ۶۰۶ق) کاتب او بود. وی مدتی در موصل، وزیر سیف الدین غازی بن قطب الدین مودود زنگی بود (حک: ۵۶۶-۵۷۶ق) (ابن خلکان، بی تا، ج ۴، ص ۴-۵) که در شهر دُنیسِر در کردستان (حموی، ۱۹۹۵، ج ۲، ص ۴۷۸) نزدیک مرز ترکیه («استان ماردین»، ۲۰۲۰) درگذشت و به موصل منتقل شد. سپس او را به مدینه بردند و در تربت پدرش به خاک سپردند. (ابن خلکان، بی تا، ج ۵، ص ۱۴۶-۱۴۷)

ابوبکر المراغی (م ۵۹۰ق)

از اعیان و متقدمین زمان خودش، قاضی مراغه و فردی ثروتمند که آثار خیری از خود بر جای گذاشت. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۳۳) او را بعد از مرگش، از مراغه به مدینه منتقل و در رباطش، نزدیک مسجدالنبی دفن کردند.

عبد الوهاب العریقی (م ۶۷۲ق)

منطقه‌ای از حجر یمن تحت امر او بود. وی فردی شجاع و بخششنده بود که کارهای خیر زیادی انجام می‌داد. او در بازگشت از سفر حج، یک مرحله^۱ بعد از مدینه از دنیا رفته و پیکرش به مدینه منتقل می‌شود.

ابن البارزی (م ۶۸۳ق)

فقیه و اصولی ادیب، قاضی شافعی و پسر قاضی حماه. وی عازم حج بوده که در تبوک، حدود ۶۸۰ کیلومتری مدینه فوت کرده و پیکرش به این شهر منتقل می‌شود.

ابن نجیح (محمد الحرانی) (م ۷۲۳ق)

فقیه و محدث حنبلی (ابن عماد، بی تا، ج ۸، ص ۱۱۱) و ملازم و همراه ابن تیمیه حرانی (د. ۷۲۸ق) که با او زندانی شد. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۴۴) وی در بازگشت از حج، در وادی بنی سالم، حدود شش کیلومتری جنوب مدینه، مُرد (ابوالیمن علیمی، بی تا، ج ۲، ص ۴۷۰) و بر دوش مردان (ابن رجب، بی تا، ج ۴، ص ۳۷۶) به مدینه منتقل شد و پس از اقامه نماز میت، در روضه نبوی او را شرق قبر عقیل دفن کردند. (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱۴، ص ۱۱۰)

امیر چوپان و پسرش (م ۷۲۸ق)

از امیران بزرگ و صاحب‌نام سلاطین ایلخانی [سلطان غازان (حک: ۶۹۴-۷۰۳ق) و سلطان محمد خدابنده (حک: ۷۰۳-۷۱۶ق)] که در عهد سلطان ابوسعید ایلخانی

۱. مسافتی که مسافر در یک روز می‌توانسته آن را طی نماید.

(حک: ۷۱۶-۷۳۶ق)، دوازده سال مهم‌ترین و اثرگذارترین شخصیت حکومت بود. در راه مصر و شام و مکه بناهایی ساخته و خیرات بسیاری کرده است. او طلای زیادی هزینه کرد تا آب را به مکه برساند و پس از آن تنها برای انتقال آب اجرت می‌گرفتند و دیگر آب یک کالای گران نبود. وی مدرسه زیبایی در مدینه ساخت تا محل دفنش گردد. (صفدی، ۱۴۰۱، ج ۱۱، ص ۲۲۰)

والی هرات، او و پسرش خلوقان را در سال ۷۲۸ قمری به قتل می‌رساند. (ابن فضل الله عمری، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۲۱۷) آنگاه دخترش، که در قباله سلطان ابوسعید بوده، آنها را تجهیز کرده و همراه کاروان حج عراقی (رکب العراقی) به مدینه می‌فرستد تا پس از طواف در مکه و وقوف در عرفات در مدرسه‌اش در مدینه دفن شوند که با مخالفت ملک ناصر محمد بن قلاوون (حک: ۷۰۹-۷۴۱ق) آنان را در بقیع دفن می‌نمایند. (صفدی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۱۱۴) قبر امیر چوپان تا مدت‌ها مشخص و معلوم بوده است. (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۳۰۲)

ابوالفضل المطری (م ۸۲۶ق)

محدث و برادرزن شمس الدین سخاوی، قاضی مالکی مدینه. مادرش خدیجه، دختر قاضی علی زرنندی است. در مسیر بازگشت از حج درگذشت و پیکرش به مدینه منتقل شد. (محمد بن عبد الرحمن سخاوی، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۲۵)

ابن سلام (م ۸۲۹ق)

فقیه و محدث شافعی که علاوه بر تسلط بر کتب فقهی در نظم و نثر نیز مهارت داشت. او در بازگشت از حج مریض شد و در وادی بنی سالم، حدود شش کیلومتری جنوب مدینه، درگذشت و جنازه‌اش به مدینه منتقل شد.

محمد الکمال (م ۸۴۳ق)

محدث و فقیه. مادرش رقیه دختر شیخ محمدتقی بن کازرونی است. وی به

منطقه عوالی، حدود سه کیلومتری جنوب مدینه، رفته بود که کشته شد و پیکرش به مدینه انتقال یافت.

شهاب الدین احمد خولانی (م ۸۴۶ق)

فقیه و عالم یمنی که در راه سفر حج فوت کرده و پیکرش به مدینه منتقل می‌شود. (البریهی، بی‌تا، ص ۱۵۰)

نظام الدین خلیفه

از اقطاب صوفیه که برای او کراماتی نقل کرده‌اند. وی در مکه هنگام طواف درگذشت و برای دفن به مدینه منتقل شد. (ناشناخته، ۱۴۱۸، ص ۲۴۳-۲۴۴)

ابن شدقم (م ۹۸۸ق)

عالم فاضل و محدث جلیل القدر که پس از پدرش علاوه بر تدریس و تألیف مدتی نقابت سادات مدینه را نیز بر عهده داشت. (الشدقمی الحسینی، ۱۴۲۳، ص ۹۸-۱۰۰) او در سفر به دکن هند از دنیا رفت و همان‌جا به خاک سپرده شد. آنگاه حسین اصغر، پسر کوچکش، با عمل به وصیت پدر، او را در جوار پدر و همسرش، در سمت شمال قبه اهل بیت علیهم‌السلام، به خاک سپرد.

محمد ندرخان ازبک (م ۱۰۶۱ق)

از حاکمان سلسله هشترخانیان (حک: ۱۰۰۹-۱۲۰۰ق) که بر بخش‌هایی از ماوراءالنهر حکم می‌راندند. (سلیمان، ۱۳۹۵، ص ۴۸۷) وی سال ۱۰۶۱ قمری به بهانه اینکه پیر و فرتوت شده و آرزوی زیارت خانه خدا دارد، حکومت را به سبجان قلی‌خان واگذار و به سمت مکه حرکت کرد که در اثنای سفر مریض شده و در سمنان فوت می‌کند. جنازه او را بنا بر وصیتش، به مدینه منتقل و در بقیع کنار امام قلی‌خان دفن می‌کنند. (منشی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۹-۱۷۰)

عبد العزیز خان ازبک (م ۱۰۹۳ق)

از پادشاهان سلسله هشرخانیان (حک: ۱۰۵۷-۱۰۹۱ق) (زامباور، ۱۴۰۰، ص ۴۰۸) که در سال ۱۰۹۳ قمری بعد از ادای حج به هند رفت و در بندر مُخا مُرد. چند ماهی همان‌جا مدفون بود؛ اما بنا بر وصیتش (صنعانی، ۱۹۹۹، ج ۱، ص ۵۶۷) او را به مدینه منتقل و در بقیع، کنار امام قلی خان (شمس بخارائی، ۱۳۷۷، ص ۴۱) و برادرش ندرمحمد دفن کردند. البته برخی وفات او را در مدینه گفته‌اند. (منشی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۵-۱۸۴) در سال ۱۲۷۷ قمری، قبر او و برخی دیگر از پادشاهان مدفون در بقیع گزارش شده. (عبد الرحمن سمرقندی، ۱۳۹۵، ص ۵۸۸)

شیخ احمد احسائی (م ۱۲۴۱ق)

فقیه و فیلسوف شیعه (آزاد کشمیری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۹۲) که در روستای هدیه، حدود ۱۷۰ کیلومتری شمال غرب مدینه، فوت کرده و پس از انتقال به مدینه، در پشت دیوار بقعه اهل بیت علیهم‌السلام دفن شد.

با عبود علوی مدنی (م ۱۲۷۴ق)

امام شافعیان در مسجد النبی و اهل سیر و سلوک (بکری صدیقی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۵۹۳) که در بئر عباس، حدود نود کیلومتری جنوب غربی مدینه، وفات یافته و جنازه‌اش به مدینه منتقل شد. (حضرآوی، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۴۳۴-۴۳۵)

سید حسین بیهبانی (م ۱۳۰۰ق)

فقیه شیعی که در بازگشت از حج، در بئر درویش در ۴۷ کیلومتری غرب مدینه (البلادی، ۱۴۰۱، ج ۷، ص ۴۹)، توسط دزدان کشته شد و بعد از انتقال به مدینه، در جوار بقعه اهل بیت علیهم‌السلام دفن گردید.

همسر محمدصادق بیک (م ۱۳۰۳ق)

محمدصادق پاشا (نظامی ارشد مصری و مسئول مالی و توزیع‌کننده هدایای

نقدی (محمل مصری) (زرکلی، ۱۹۸۹، ج ۶، ص ۱۶۱) همسرش در بازگشت از مدینه وفات می‌یابد. صندوقی ساخته و او را داخل آن گذارده و بعد از انتقال به مدینه، در کنار قبه اهل بیت علیهم‌السلام دفن می‌کنند. (صادق پاشا، ۱۹۹۹، ص ۲۲۸-۲۲۹)

همسر ولی‌خان (م ۱۳۰۹ق)

ولی‌خان، زائری شیعه و ایرانی است که همسرش در راه مدینه فوت می‌کند و جنازه او را بعد از انتقال به مدینه نزدیک بیت‌الاحزان دفن می‌کنند. (بانو علویه کرمانی، ۱۳۸۹، ص ۷۵۰)

عبد الجلیل براده (م ۱۳۲۶ق)

شاعر مغربی الاصل ساکن مدینه که در راه مدینه فوت کرد و پیکرش به مدینه منتقل شد.

سید میرزا حسن سبزواری (م ۱۳۳۲ق)

عالمی فاضل و زاهد که در سفر حج توسط دزدان بین مکه و مدینه (البلادی، ۱۴۰۳، ص ۱۰۸) کشته شد و پیکرش به مدینه منتقل گردید. (امین، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۲۲)

عبد الرؤوف الحناوی (م ۱۳۹۷ق)

ادیب و نویسنده سوری که تا آخر عمر، در دانشکده اصول‌الدین و دانشکده علوم پرواز ریاض به تدریس اشتغال داشت. (یوسف، ۱۴۱۸، ص ۲۹۰) وی در بیمارستانی در لندن از دنیا رفت و بنا بر وصیتش به مدینه منتقل شد. (یوسف، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۸۹)

عیسی عبده ابراهیم (م ۱۹۸۰م)

او که مورد توجه حسن البنا (م ۱۹۴۹م) - مؤسس اخوان المسلمین مصر - بود،

جوانی آش را در این حزب سپری کرد. وی از چهره‌های مؤثر در گسترش بانکداری اسلامی، و شناخته شده در این حوزه است. او در ریاض، حدود ۸۲۰ کیلومتری غرب مدینه، درگذشت و به مدینه منتقل شد.

شکری عمر (م ۱۴۰۵ق)

ادیب و استاد مشهور سوری که در سال‌های آخر عمرش، استاد دوره‌های عالی در دانشگاه مدینه بود. وی در سوئیس درگذشت و جنازه‌اش به مدینه منتقل شد. (یوسف، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۲۹)

سیدشرف الموسوی (م ۱۴۰۹ق)

خطیب توانمند و واعظ شهیر کشورهای حاشیه خلیج فارس که در روستای القاره، از توابع احساء (حدود ۱۱۵۰ کیلومتری غرب مدینه)، از دنیا رفت و پیکرش به مدینه منتقل شد. (امین، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۱۷۹)

عایشه بنت طاهر سنبل (م ۱۴۱۵ق)

او که از پدرش شیخ محمد طاهر سنبل روایت می‌کرد، در جده وفات یافت و بنا بر وصیتش به مدینه منتقل و در مسجدالنبی برایش نماز میت اقامه شد.

عبدالفتاح ابو غده (م ۱۴۱۷ق)

محدث و عالم حنفی که فقه حنفی، اصول فقه و فقه مقارن را در دانشکده الهیات دانشگاه دمشق تدریس می‌کرد. در سال ۱۳۸۵ قمری به دانشگاه ملک سعود ریاض رفت و حدیث و علوم حدیث تدریس کرد. وی در سال ۱۴۱۷ قمری در بیمارستان ریاض درگذشت. پیکر او بنا بر وصیتش و با دستور ولیعهد سعودی، با هواپیمای اختصاصی به مدینه منتقل شد. (مرعشلی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۱۹۴۵-۱۹۴۷)

حسن بن یحیی بن محمد حمیدالدین (م ۱۴۲۴ق)

عالمی زاهد و اهل ورع که دروس دینی را از عالمان صنعا فرا گرفت و خیرات زیادی از خود بر جای گذاشت. او در جده وفات یافت و به مدینه منتقل شد. (سراجی، بی تا، ص ۲۰۱)

جمع بندی

تعداد زیاد جنازه‌های انتقال یافته به مدینه در قرن‌های اول و دوم، نشان دهنده مقبولیت این مسئله نزد صحابه و تابعین است. مجموعاً دوسوم افرادی که جنازه آنها به مدینه منتقل شده است، از اهل سنت هستند که در میان آنها شافعی مذهب‌بان بیشترین نفرت را دارا هستند. تعداد دوبرابری جنازه‌های اهل سنت نسبت به شیعیان، نشان دهنده مقبولیت این کار نزد آنان است. بررسی جایگاه اجتماعی افراد منتقل شده به مدینه، حاکی از رواج گسترده این موضوع در بین خواص جامعه اسلامی است؛ به گونه‌ای که بیش از شصت درصد اینان کسانی هستند که با فقه و حدیث آشنا بوده و در این عرصه دارای جایگاه هستند. در شرایطی که جنازه اقشار مختلف اهل سنت را به مدینه آورده‌اند، اما شیعیان منتقل شده به مدینه، همه از طبقه فقها هستند.

بیشتر این افراد در حال عزیمت به مکه یا مدینه یا در منزلشان وفات یافته‌اند. تنوع مبادی انتقال جنازه و خصوصاً انتقال از هند و اروپا نشان می‌دهد دفن در بقیع تا چه اندازه برای مسلمانان، به خصوص اهل سنت، دارای اهمیت بوده و به خاطر فضیلت و جایگاه بقیع، مشقت و زحمت جابجایی جنازه را به جان می‌خریدند و آنها را به مدینه منتقل می‌کردند. این انتقال جنازه، که از مهم‌ترین سرزمین‌های اسلامی صورت پذیرفته، به نوعی از مقبولیت این مسئله در آن کشورها حکایت می‌کند. وصیت به انتقال جنازه و عمل بر طبق آن نیز، شاهدی

دیگر بر مقبولیت این کار است.

از سوی دیگر بیست درصد از این افراد کنار بقعه اهل بیت علیهم‌السلام دفن شده‌اند که نیمی از آنها از اهل سنت هستند و این نشان می‌دهد که مقبره اهل بیت علیهم‌السلام مورد توجه عموم مسلمانان بوده است. مردم حرمین قدردان کسانی بوده‌اند که برای ایشان آذوقه و کمک مالی ارسال می‌کردند. به گونه‌ای که جنازه این افراد، با استقبال اهالی وارد شهر می‌شد و بعد از تشییع و اقامه نماز، آنها را در بقیع دفن می‌کردند. در مجموع، معرفی پنجاه نفر که جنازه آنها به مدینه منتقل شده است، نشان می‌دهد انتقال جنازه به مدینه بین صحابه، تابعین، فقها و اهالی مدینه امری طبیعی و راجح بوده و اهل سنت، رغبت فراوانی به این موضوع داشته‌اند. کما اینکه اهالی مدینه نیز از انتقال اجساد اهل سنت به مدینه، بیشترین استقبال را کرده‌اند.

جدول اسامی و مشخصات افرادی که پیکر آنها برای دفن به مدینه منتقل شده است

ردیف	نام	سال وفات	گرایش	مذهب	جایگاه اجتماعی	نسبت	مبدأ انتقال	حالت وفات	نماز میت	محل دفن	توضیحات
	مقداد بن الاسود	۳۳	علوی	-	صحابی	مدنی	جرف	در منزل	مدینه		
	مالک اشتر	۳۸			والی امیرالمؤمنین	عراق	قلزم	در راه مصر			
	سعید بن زید	۵۱	عثمانی	-	از عشره مبشره	مدنی	وادی عقیق	در منزل	مدینه	بنا بر وصیت و تعیین محل دفن	کنار خانه عقیل
	سعد بن ابی وقاص	۵۵									
	اسامه بن زید	۵۸									
	سعد بن العاص	۵۸									
	ابوهریره	۵۸		-	محدث		وادی عقیق	مدینه			
	حسن ثنا	۹۷	علوی	امامی	امام زیدیه	مدنی	خارج مدینه	؟		بقعه اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	
	امام باقر	۱۱۴			امام شیعیان						
	زید بن الحسن	۱۲۰			امام زیدیه						
	اسماعیل بن جعفر	۱۳۳			امام اسماعیلیه						
	عروه بن رویم	۱۴۴	سنی	??	محدث	اردن	ذی خشب	در منزل			
	هارون بن العباس	۲۷۶			??	روینه		رفت یا حج برگشت حج			
	ابو محمد الحسینی	۳۶۳	شیعه	اسماعیلی	سید حسینی		جعفریه	در جنگ			
	ابن حنابه	۳۹۱	سنی	??	محدث و وزیر	عراقی	مصر	در منزل		ریاض خودش	بنا بر وصیت تشیع / استقبال با اشراف

ردیف	نام	سال وفات	گرایش	مذهب	جایگاه اجتماعی	نسبت	مبدأ انتقال	حالت وفات	نماز میت	محل دفن	توضیحات
	ابو عبدالله القمی	۴۰۰	??	??	ادیب و سرمایه‌دار	??	بین مصر و مکه			کنار امام حسن ۷	
	توخی	۴۱۹		حنفی	قاضی و محدث	سوری	وادی مر	مسیر حج			
	عبد الوهاب السیبی	۵۰۴		شافعی	قاضی و ادیب	??	??	بازگشت از حج	مدینه		
	جواد اصفهانی	۵۵۹			وزیر زنگیان سلجوقی	ایرانی	موصل		طواف		انتقال پس از دفن / تشییع با استقبال اشراف
	اسد الدین شیر کوه	۵۶۴			وزیر فاطمیان			در منزل		عمومی صلاح الدین ابوبی	انتقال بعد از دفن / بنا بر وصیت
	ایوب بن سادی	۵۶۸		??	از درباریان فاطمی	گرجستان	قاهره			پدر صلاح الدین ابوبی	انتقال بعد از دفن
	جلال الدین بن جواد اصفهانی	۵۷۴			ادیب و وزیر	??	دنيسر	??		در تربت پدرش	
	ابوبکر الراعی	۵۹۰	سنی		قاضی	ایرانی	مراغه	در منزل			
	عبد الوهاب الغریفی	۶۷۲			از اعیان یمن	یمن	??	بازگشت از حج			
	ابن البارزی	۶۸۳		شافعی	قاضی و فقیه	سوری	تبوک	در مسیر حج			
	ابن نعیج (محمد الحرائی)	۷۲۳		حنبلی	فقیه و محدث	ترکیه	وادی بنی سالم	بازگشت از حج	در روضه	شرق قبر عقیل	
	امیر جویان	۷۲۸		??	وزیر مغول			در مسیر جنگ	در مکه	نزدیک ائمه	بعد از طواف کعبه و وقوف عرفات
	پسر امیر جویان	۷۲۸			وزیر زاده	مغول	هرات				
	ابوالفضل المطری	۸۲۶			محدث	??	??	بازگشت از حج			
	ابن سلام	۸۲۹			فقیه و محدث	سوری	وادی بنی سالم				
	محمد الکمال	۸۴۳		??		مدنی	عوالی	در یافت طلب			
	شهاب الدین احمد خولانی	۸۴۶	شیعه	زیدی	فقیه	یمن	??	در مسیر حج			
	نظام الدین خلیفه	??	سنی	صوفی	قطب صوفیه	??	مکه	در حال طواف			قبل از قرن دهم

ردیف	نام	سال وفات	گرایش	مذهب	جایگاه اجتماعی	نسبت	مبدأ انتقال	حالت وفات	نماز میت	محل دفن	توضیحات		
	ابن شدقم	۹۹۸	شیعه	امامی	فقیه و محدث	مدنی	دکن	بازدید اقوام		کنار اهل بیت	بنا بر وصیت / انتقال بعد از دفن		
	محمد ندر خان ازبک	۱۰۶۱	سنی	??	پادشاه ماوراء النهر	افغانی	سمنان	در مسیر حج		کنار پدرش	بنا بر وصیت		
	خان ازبک عبدالعزیز	۱۰۹۳					بندر مخا	شاه هند	کنار پدر و برادرش				
	شیخ احمد احسائی	۱۲۴۱	شیعه	امامی	فقیه و فیلسوف	احسا	هدیه	مسیر حج		کنار اهل بیت			
	یاعقوب علوی	۱۲۷۴	سنی	شافعی	صوفی	یمن (احتمالاً)	بئر عباس	در مسیر مدینه	در روضه				
	سید حسین بهبهانی	۱۳۰۰	شیعه	امامی	فقیه	ایران	بئر درویش	بازگشت از حج		کنار اهل بیت			
	همسر صادق بیک	۱۳۰۳	سنی	??	همسر نظامی ارشد	مصر	??						
	همسر ولی خان	۱۳۰۹	شیعه	امامی	همسر زائر	ایران	نزدیک مدینه	در مسیر مدینه		کنار بیت الاحزان			
	عبدالجلیل براده	۱۳۲۶	سنی	??	ادیب و شاعر	مدنی	بین مکه ومدینه						
	میرزا حسن سبزواری	۱۳۳۲	شیعه	امامی	فقیه	ایران	قبیله حرب	بازگشت از حج					
	عبدالرؤف الحناوی	۱۳۹۷	سنی	??	استاد دانشگاه	سوری	لندن				بنا بر وصیت		
	عیسی عبده ابراهیم	۱۴۰۰				مصر	ریاض		بیمارستان				
	شکری عمر	۱۴۰۵				سوری	سویس						
	سید شرف الموسوی	۱۴۰۹	شیعه	امامی	واعظ و خطیب	احسا	القاره (احساء)	در منزل					
	عایشه بنت طاهر	۱۴۱۵	سنی	??	محدث	مدنی	جده		در روضه		بنا بر وصیت		
	عبدالفتاح ابو غده	۱۴۱۷				سوری	ریاض			بیمارستان		بنا بر وصیت / تشییع شده	
	حسن بن یحیی	۱۴۲۴	شیعه	زیدی	فقیه	یمن	جده	??					

منابع

۱. آزاد کشمیری، محمدعلی بن محمدصادق (۱۳۸۷). نجوم السماء فی تراجم العلماء (شرح حال علمای شیعه قرن‌های یازدهم و دوازدهم و سیزدهم هجری قمری)، مصحح هاشم محدث، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۲. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۳۰). طبقات أعلام الشيعة، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۳. آقشهري، محمد بن احمد بن امين (۲۰۱۰). الروضة الفردوسية و الحضرة القدسية، محقق قاسم السامرائی، لندن، مؤسسة الفرقان للتراث الإسلامي.
۴. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۴۰۹ الف). أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دار الفکر.
۵. ابن حبان، ابی حاتم محمد (۱۴۱۱). السيرة النبوية و اخبار الخلفاء، مصحح عزیز بک، بیروت، مؤسسة الكتب الثقافية.
۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۴). الدرر الكامنة فی أعيان المائة الثامنة، بیروت، دار الجیل.
۷. _____ (۱۴۲۵ الف). تهذيب التهذيب، بیروت، دار صادر.
۸. _____ (بی‌تا). فتح الباری شرح صحیح البخاری، قاهره، دار البیان العربی.
۹. ابن خلکان، احمد بن محمد (بی‌تا). وفيات الأعيان و أبناء أبناء الزمان، محقق احسان عباس، بیروت، دار الفکر.
۱۰. ابن دبیثی، محمد بن سعید (۱۴۲۷). ذیل تاریخ مدينة السلام، محقق بشار عواد معروف، بیروت، دار الغرب الإسلامي.
۱۱. ابن رجب، عبد الرحمن بن احمد (بی‌تا). طبقات الحنابلة، محمد ابن ابی یعلی، بیروت، دار المعرفة.
۱۲. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰). الطبقات الكبرى، محقق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۱۳. ابن شبه نمیری، عمر (۱۴۱۰). تاریخ المدينة المنورة، مصحح فهيم محمد شلتوت، (ج ۱-۴)، قم، دار الفکر.
۱۴. ابن طولون، محمد بن علی (بی‌تا). الفوائد الجوهريّة فی تاريخ الصالحية، مصحح محمد احمد دهمان، دمشق، مكتب الدراسات الإسلامية.
۱۵. ابن عبد البر، يوسف بن عبدالله (۱۴۱۲). الاستيعاب فی معرفة الأصحاب، بیروت، دار الجیل.
۱۶. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵). تاریخ مدينة دمشق، بیروت، دار الفکر.
۱۷. ابن عماد، عبد الحی بن احمد (بی‌تا). شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، بیروت، دار ابن کثیر.

۱۸. ابن عنبه، احمد بن على (۱۴۱۷). عمدة الطالب فى أنساب آل ابي طالب، قم، مؤسسة أنصاريان للطباعة و النشر.
۱۹. ابن فرحون، عبدالله بن محمد (۱۴۲۷). تاريخ المدينة المنورة المسمى نصيحة المشاور و تعزية المجاور، قاهره، مكتبة الثقافة الدينية.
۲۰. ابن فضل الله عمري، احمد بن يحيى (۱۴۲۴). مسالك الأبصار فى ممالك الأمصار، مصححين مسلم مصطفى و رؤوف عماد عبد السلام، ابوظبى، المجمع الثقافى.
۲۱. ابن قانع بغدادى، عبدالباقى (۱۴۲۴). معجم الصحابة، محقق خليل ابراهيم قوتلاى، بيروت، دار الفكر.
۲۲. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (۱۴۰۷). البداية و النهاية، بيروت، دار الفكر.
۲۳. ابن نجيم، زين الدين (بى تا). البحر الرائق شرح كنز الدقائق، بيروت، دار المعرفة.
۲۴. ابن جوزى، عبد الرحمن بن على (۱۴۱۲). المنتظم فى تاريخ الأمم و الملوك، بيروت، دار الكتب العلمية.
۲۵. ابواليمن عليمى، عبد الرحمن بن محمد (بى تا). الدر المنضد فى ذكر أصحاب الإمام أحمد رضى الله عنه، محقق عبدالرحمن بن سليمان عثيمين، عربستان، مكتبة التوبة.
۲۶. ابومخرمه، طيب بن عبدالله (۱۴۲۸). قلادة النحر فى وفيات أعيان الدهر، محققين بوجمعه عبد القادر مكرى و خالد زوارى، بيروت، دار
- المنهاج.
۲۷. ابونعيم، احمد بن عبدالله (۱۴۲۲). معرفة الصحابة، محققين مسعد عبد الحميد سعدنى و محمدحسن اسماعيل شافعى، بيروت، دار الكتب العلمية، منشورات محمد على بيضون.
۲۸. ابى داود، سليمان بن الأشعث (۱۴۳۰). سنن أبى داود، محققين شعيب الارنؤوط و قره بللى، بيروت، دار الرسالة العالمية.
۲۹. استان ماردين (۲۰۲۰). در ويكى پديا، دانشنامه آزاد.
۳۰. البريهى، عبد الوهاب بن عبد الرحمن (بى تا). طبقات صلحاء اليمن، محقق محمد الحبشى عبدالله، صنعاء، مكتبة الإرشاد.
۳۱. البلادى، عاتق بن غيث (۱۴۰۳). معجم قبائل الحجاز، مكة المكرمة، دار مكة للنشر و التوزيع.
۳۲. البلادى، عاتق بن غيث (۱۴۰۱). معجم معالم الحجاز، مکه مكرمه، دار مكة للنشر و التوزيع.
۳۳. الشدقمى الحسينى، زين الدين بن على (۱۴۲۳). زهرة المقول فى نسب ثانى فرعى الرسول، محقق سيد مهدي رجائى، قم، كتابخانه عمومى حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفى رحمته الله.
۳۴. الشريبنى، محمد بن احمد (۱۴۱۵). مغنى المحتاج إلى معرفة معانى ألفاظ المنهاج، بيروت، دار الكتب العلمية.

۳۵. العثیمین، محمد بن صالح (۱۴۳۹). **الی مصر و الحجاز، محقق عبدالرحمن عبداللہ**، الشیخ، قاہرہ، الہیئۃ المصریۃ العامۃ للکتاب.
۴۵. بکری صدیقی، عبد الستار بن عبد الوہاب (۱۴۲۹). **فیض الملک الوہاب المتعالی بأبناء** أوائل القرن الثالث عشر و التوالی، محقق عبدالملک دہیش، مکۃ المکرمۃ.
۴۶. بکری، عبداللہ بن عبد العزیز (۱۴۰۳). **معجم ما استعجم من أسماء البلاد و المواضع** (ج ۱-۴)، بیروت، عالم الکتب.
۴۷. تبریزی، علی بن موسی (۱۴۱۴). **مرآة** الکتب، محققین محمد علی حائری و صدراپی خوبی، قم، کتابخانہ عمومی حضرت آیت اللہ العظمیٰ مرعشی نجفی رحمۃ اللہ علیہ.
۴۸. حاتم عمر طہ و محمد انور البکری (۱۴۲۴). **بقیع الغرقد، مدینہ منورہ، مکتبۃ الحلبی**.
۴۹. حازمی، محمد بن موسی (بی تا). **الأماكن أو** ما اتفق لفظه و افترق مسماه من الأمکنۃ.
۵۰. حضراوی، احمد بن محمد (۱۹۹۶). **نزہة** الفكر فیما مضی من الحوادث و العبر فی تراجم رجال القرن الثانی عشر و الثالث عشر قطعۃ منه، محقق محمد مصری، دمشق، جمہوریۃ العربیۃ السوریۃ، منشورات وزارة الثقافة.
۵۱. حموی، یاقوت بن عبداللہ (۱۹۹۵). **معجم** البلدان، بیروت، دار صادر.
۵۲. خزرجی، علی بن حسن (۱۴۳۰). **العقد** الفاخر الحسن فی طبقات أكابر أهل اليمن، مصححین عبداللہ بن قاید عبادی، مبارک بن
۳۶. _____ (۱۴۳۹). **التعلیق علی صحیح البخاری**، قصیم، مؤسسۃ الشیخ محمد بن صالح العثیمین الخیریۃ.
۳۷. الهاجری، یوسف (۱۴۱۱). **البقیع قصة** تدمير آل سعود، بیروت، مؤسسۃ البقیع لاحیاء التراث.
۳۸. امین، سید حسن (۱۴۰۸). **مستدرکات أعیان الشیعہ**، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۳۹. امین، سید محسن (۱۴۰۳). **أعیان الشیعہ**، محقق سید حسن امین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۴۰. امینی، عبد الحسین (۱۴۱۶). **الغدیر فی** الكتاب و السنۃ و الأدب، قم، مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیۃ.
۴۱. امینی، محمد امین (۱۴۲۸). **بقیع الغرقد فی دراسة شاملة**، تہران، مشعر.
۴۲. بانو علویہ کرمانی (۱۳۸۹). **روزنامہ سفر** حج، تہران، نشر علم.
۴۳. بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا). **صحیح بخاری**، بیروت، شرکتہ دار الأرقم بن أبی الأرقم.
۴۴. برتون، ریچارد ف (بی تا). **رحلة بیروتون**

محمد دوسرى، على عبدالله صالح الوصابى، و
جميل احمد سعدالأشول، صنعا، مكتبة الجيل
الجديد.

٥٣. خطيب بغدادى، احمد بن على (١٤١٧).
تاريخ بغداد، أو، مدينة السلام، محقق مصطفى
عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية،
منشورات محمد على بيضون.

٥٤. خيارى، احمد ياسين (١٤١٩). تاريخ معالم
المدينة المنورة قديما و حديثا، رياض، داره
الملك عبدالعزيز.

٥٥. د. عيسى عبده إبراهيم، (بى تا). مجموعة
الرقابة للإستشارات الشرعية والمالية، بازيابى
٢٩ فروردين ٢٠١٩، از د. عيسى عبده إبراهيم
<http://www.raqaba.net>

٥٦. دولتشين، عبد العزيز (١٤٢٨). الرحلة
السرية، بيروت، الدار العربية للموسوعات.

٥٧. ذهبى، محمد بن احمد (١٤٢٧). سير أعلام
النبلاء، قاهره، دار الحديث.

٥٨. ذهبى، محمد بن احمد (١٤١٣). تاريخ
الاسلام و وفيات المشاهير و الأعلام، محقق
عمر عبد السلام تدمرى، بيروت، دار الكتاب
العربى.

٥٩. زامباور (١٤٠٠). معجم الانساب و الاسرات
الحاكمة فى التاريخ الاسلامى، محققين زكى
محمد حسن بك و حسن احمد محمود، بيروت،
دار الرائد العربى.

٦٠. زرکلى، خير الدين (١٩٨٩). الأعلام: قاموس

تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و
المستعربين و المستشرقين، بيروت، دار العلم
للملايين.

٦١. سبكى، عبد الوهاب بن على (بى تا).
طبقات الشافعية الكبرى، محققين
محمود محمد طناحى و عبد الفتاح محمد حلو،
قاهره، دار احياء الكتب العربيه.

٦٢. سخاوى، على بن احمد (بى تا). تحفة
الأحباب و بغية الطلاب، قاهره، مكتبة
الكليات الأزهرية.

٦٣. سخاوى، محمد بن عبد الرحمن (بى تا).
الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، بيروت، دار
مكتبة الحياة.

٦٤. _____ (٢٠٠٩). التحفة اللطيفة فى

تاريخ المدينة الشريفة، مدينه منوره، مركز
بحوث و دراسات المدينة المنورة.

٦٥. سراجى، قاسم بن حسن (بى تا). روائع
البحوث فى تاريخ مدينة حوث، المكتبة
الشاملة.

٦٦. سليمان (١٣٩٥). دولتها و سلسلههاى
حاکم بر قلمرو اسلام، مترجم صادق
سجادی، تهران، رايزن كتاب.

٦٧. سمرقندى، عبد الرحمن (١٣٩٥). اركان
الحج و مسافة الطريق، قم، نشر مؤرخ.

٦٨. سمرقندى، محمد بن حسين (١٤١٨).
تحفة الطالب بمعرفة من يتسبب إلى عبدالله
و أبى طالب، محقق انس كتبى حسنى، مدينه

- منوره، دار المجتبی.
۶۹. سمهودی، نورالدین علی بن عبد اللہ
- (۲۰۰۱). **وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی**، محقق قاسم السامرائی، لندن، مؤسسة الفرقان للتراث الإسلامی.
۷۰. سنوسی، محمد (۱۴۰۱). **الرحلة الحجازية**، مصحح علی الشنوفی، الشركة التونسية للتوزيع.
۷۱. شراب، محمد محمد حسن (۱۴۱۱). **المعالم الأثرية في السنة و السيرة**، بیروت، دار الشامیة.
۷۲. شماع، عمر بن احمد (بی تا). **القبس الحاوی لغرر ضوء السخاوی**، محققین حسن اسماعیل مروه و خلدون حسن مروه، بیروت، دار صادر.
۷۳. شمس بخارائی (۱۳۷۷). **تاریخ بخارا**، خوفند و کاشغر، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۷۴. صادق پاشا (۱۹۹۹). **کوکب الحج في سفر المحمل بحرا وسيره برا**، مصحح محمد همام فکری، بیروت، بدر للنشر و التوزيع.
۷۵. صالح السلامة، منصور (۱۴۳۸). **الاصابة فيمن دفن بالبقيع من الصحابة**، مدینہ منوره، دار الامام مسلم للنشر و التوزيع.
۷۶. صفدی، خليل بن ايک (۱۴۳۰). **أعيان العصر و أعوان النصر**، بیروت، دار الكتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۷۷. _____ (۱۴۰۱). **الوافي بالوفيات**، محقق هلموت ريتز، بیروت، دار النشر فرانز شتاينر.
۷۸. صنعانی، يوسف بن يحيى (۱۹۹۹). **نسمة السحر بذكر من تشيع و شعر**، محقق کامل سلمان جبوری، بیروت، دار المورخ العربی.
۷۹. ضامن بن شدم (۱۳۷۸). **تحفة الأزهار و زلال الأنهار في نسب ابناء الأئمة الأطهار عليهم صلوات الملك الغفار**، تهران، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
۸۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۶). **إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - الحديثة)**، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۸۱. عامری حرزی، يحيى بن ابی بكر (۱۴۰۵). **غربال الزمان في وفيات الأعيان**، مصحح محمد ناجی عمر، دمشق، دار الخير.
۸۲. عوض الجزیری، عبد الرحمن بن محمد (۱۴۲۴). **الفقه على المذاهب الأربعة**، بیروت، دار الكتب العلمیة.
۸۳. غیتابی، محمود بن احمد (۱۴۲۰). **البنایة شرح الهدایة**، بیروت، دار الكتب العلمیة.
۸۴. فاسی، محمد بن احمد (۱۴۱۹). **العقد الثمين في تاريخ البلد الأمين**، محقق احمد عطا، بیروت، دار الكتب العلمیة.
۸۵. قفطی، علی بن يوسف (۱۴۲۴). **إنباه الرواة على أنباه النحاة**، محقق محمد ابوالفضل ابراهيم، بیروت، المكتبة العصرية.
۸۶. مامقانی، محمد رضا (۱۴۳۱). **تنقيح المقال**

- فی علم الرجال، محقق محی الدین مامقانی، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لاحیاء التراث.
۸۷. محلی، حمید بن احمد (۱۴۲۳). الحدائق الوردیة فی مناقب الأئمة الزیدیة، مصحح مرتضی بن زید محطوری، صنعا، مكتبة بدر.
۸۸. مرعشلی، یوسف عبدالرحمن (۱۴۲۷). نثر الجواهر و الدرر فی علماء القرن الرابع عشر، بیروت، دار المعرفة.
۸۹. مصعب بن عبدالله (۱۹۹۹). كتاب نسب قریش، مصحح لوی، پرووانسال، اواريست، قاهره، دار المعارف.
۹۰. مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۲). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید.
۹۱. مقریزی، احمد بن علی (۱۴۲۷). المقفی الكبير، محقق محمد یعلاوی، بیروت، دار الغرب الإسلامی.
۹۲. منشی، محمد یوسف (۱۳۸۰). تذکره مقیم خانی، مصحح فرشته صرافان، تهران، میراث مکتوب.
۹۳. ناشناخته (۱۴۱۸). تذکره بغراخانی (تذکره مشایخ اویسیه)، محقق محمد منیر عالم، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۹۴. ناشناس (بی تا). الروضة المستطابة فیمن دفن بالقیع من الصحابة، محقق عادل عبد المنعم ابوالعباس، مدینه منوره، مكتبة الثقافة.
۹۵. نجمی، محمدصادق (۱۳۸۶). تاریخ حرم ائمه بقیع و آثار دیگر در مدینه منوره، تهران، مشعر.
۹۶. نوایی، علی اکبر (۱۳۹۴). آرמידگان در قبرستان بقیع، تهران، نشر مشعر.
۹۷. واثقی، حسین (۱۴۳۹). اعلام المدينة المنورة من بنی شذقم و غیره، قم، مؤلف.
۹۸. یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی تا). تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر.
۹۹. یوسف، محمد خیر (۱۴۲۲). تئمة الأعلام للزركلی، بیروت، دار ابن حزم.
۱۰۰. _____ (۱۴۱۸). تکملة معجم المؤلفین، بیروت، دار ابن حزم.